

گونه شناسی آثار عقلانی عصر ظهور^۱

جواد جعفری^۲

روح‌الله دریکوندی^۳

چکیده

«عصر ظهور»، دوران تبلور استعدادهای انسانی است؛ دورانی که حقیقت انسان، فرصت نمایان شدن خواهد یافت. منابع روایی شیعه خبر از رویدادی شگرف در عصر ظهور داده است که این رویداد می‌تواند منشا و بنای درخشش استعداد انسان باشد. تمرکز و تکامل عقول، اتفاقی مهم در عصر ظهور خواهد بود. چگونگی این پدیده خود موضوع پژوهشی مستقل است که نگارنده در مقاله‌ای دیگر بدان پرداخته است.

مساله مهمی که اینک در پی پاسخ دادن بدان هستیم، روشن کردن حوزه‌های تاثیر پذیر از تکامل عقول است. به بیانی دیگر: زمانی که عقول کامل شد، آثار این تکامل در چه ابعادی خود را نشان خواهد داد.

بر اساس این تحقیق، در حوزه معرفتی، مردمان به معارفی همچون خودشناسی، خداشناسی و دین‌شناسی نایل می‌شوند. در بعد ارزشی و اخلاقی به ارزش‌هایی نظیر عبادت، عدالت و پرهیز از گناه آراسته می‌گردند. رهاورد تکامل عقل ابزاری نیز به تحولی عظیم در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، مدیریت، سیاست، امنیت و بهره‌گیری از طبیعت خواهد انجامید.

واژگان کلیدی: آثار تکامل عقول، مهدویت، عصر ظهور، امام مهدی علیه السلام

۱. برگرفته از پایان نامه سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت - حوزه علمیه قم.

Javad1350jafari@gmail.com

۲. عضو هیات علمی پژوهشکده حج و زیارت.

Derik.1358@yahoo.com

۳. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت، «نویسنده مسئول»

از منظر اسلام، «عقل» دارای جایگاهی ویژه و مهم در مؤلفه‌های انسانی و الهی است.^۱ شکوفایی عقل رسالت همه انبیا و اولیا است (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۳). در عصر ظهور، اهداف انبیا و اولیای الهی به ثمر می‌نشیند؛ مردم بر اثر تجربه و بلوغ تاریخی از آمادگی لازم برای تمرکز و تکامل عقول برخوردار می‌شوند (صدر، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۰۶-۲۰۸) و امام علیه السلام رسالت خویش را با تمرکز و تکامل عقول آغاز می‌کند. ابزار جمع و تکمیل عقول، دستان پر توان ولایت است (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۵) و مفهوم تمرکز و تکامل عقول به جمع شدن عقل فرد انسان‌ها ناظر است. (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۶۶-۵۶۷) و رسیدن به اتحاد و اجماع نتیجه آن است (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳-۷۵). کیفیت جمع و تکامل عقول با تبلیغ و تربیت تدریجی امام میسر است و تأثیر عنایت امام، عادی و طبیعی است، نه از طریق اعجاز (صدر، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۰۶-۲۱۰). زمان تمرکز و تکامل بعد از ظهور است (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۶۶-۵۶۷).

یکی از مسائل مهم دوران ظهور که به تحقیق و تبیین نیاز دارد، مسئله دستاوردهای کامل شدن عقل انسان‌هاست. نوشتار حاضر در پی تبیین آن است که تکامل عقل در عصر ظهور در بعد معرفتی چه رهاوردهایی دارد؛ دستاوردهای ارزشی و اخلاقی کامل شدن عقول کدامند و شکوفایی عقل در حوزه ابزاری و معاش اندیش، چه دستاوردهایی دارد. فرضیه تحقیق آن است که انسان‌ها در عصر ظهور در حوزه نظری و معرفتی که از مقوله شناخت و معرفت است، به حقایق و معارفی دست پیدا خواهند کرد. از جمله آن معارف، «شناخت» نفس و از دیگر معارف، «معرفت خداوند متعال» و «دین‌شناسی»، یکی دیگر از معارف ارزشمندی است که مردمان آن دوران از آن بهره‌مند خواهند شد. «آراستگی به ارزش‌های معنوی»، همچون روی آوردن به عبادت، پذیرش عدالت و دوری جستن از معصیت، از رهاوردهای

۱. در قرآن آیات متعددی به این امر اشاره دارد، از جمله: بقره: ۴۴ و ۷۶؛ آل عمران: ۶۵؛ انعام: ۳۲؛

اعراف: ۱۶۹؛ یونس: ۱۶؛ هود: ۵۱؛ یوسف: ۱۰۹، انبیاء: ۱۰ و ۶۷؛ مؤمنون، ۸۰ و قصص: ۶۰.

عقل عملی به شمار می‌آیند. «شکوفایی همه جانبه امور اجتماعی»، مانند اقتصاد، مدیریت، رشد سیاسی، امنیت کامل و بهره‌مندی صحیح از مواهب طبیعی، از رهاوردهای رشد عقل ابزاری است.

رهاوردهای جمع و تکمیل عقول در عصر ظهور

تمرکز و تکامل عقول موجب می‌گردد تا سطح عقلانیت جامعه در سه حوزه «عقلانیت معرفتی»، «اخلاقی» و «عقلانیت ابزاری»، شکوفا شود. این شکوفایی دستاوردهایی دارد که در ادامه به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود:

ره‌آورد معرفتی

خودشناسی، خداشناسی و دین‌شناسی از جمله دستاوردهای معرفتی تکامل عقل هستند.

۱. خودشناسی

شناخت و معرفت انسان به خود، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در ادیان توحیدی، به ویژه در دین اسلام از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. علامه مصباح یزدی «خودشناسی» را از جمله محوری‌ترین مسائل ادیان دانسته که انسان را به حقایق طبیعت و اسرار خلقت رهنمون می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۲۰).

می‌توان گفت خودشناسی، یعنی این که انسان به هویت و حقیقت انسانی و جایگاه رفیع خویش در هستی واقف گردد (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۸۵) و بداند که خالق هستی، سرمایه‌های ارزشمند و به عبارتی ذخایری در اختیار او گذاشته است که تعالی و تکامل او را فراهم می‌کنند.

با توجه به آیات و روایات (مائده: ۱۰۵ و تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۲) و سخنان عالمان دین (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۸ و ۹ و جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹)؛ روشن می‌شود که معرفت نفس، در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته و از اهمیت، ارزش و جایگاه والایی برخوردار است. مهم بودن این مقوله به دلیل نقشی است که این مؤلفه در تحقق کمال آدمی

دارد. از بیان اهمیت خودشناسی روشن می‌شود که تنها دلیلی که انسان به دنبال خودشناسی نمی‌رود و بالتبع از این نعمت بزرگ محروم می‌شود، همان عاقلانه نیندیشیدن اوست. و در واقع، چون عقل آدمی کامل نیست منفعت خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد و تکامل خود را در کسب مال و مقام دنیوی می‌بیند. اما اگر عقل انسان کامل شود، از منفعت اصلی خود نیز آگاه می‌شود و با تمام توان به دنبال آن می‌رود.

بر این اساس، مردمان عصر ظهور با کنار رفتن پرده‌های غفلت از برابر عقل‌هایشان و شکوفا شدن عقول، به جایگاه و منزلت واقعی و خطیر خودشناسی و نقش آن در هدایت و تکامل انسان واقف می‌شوند. و به مرتبه‌ی والای خویش در هستی پی می‌برند. می‌فهمند که حقیقت انسان همان بعد روحانی انسان است. بنابراین، مانع جولان و تاخت و تاز نیروهای شیطانی و نفسانی و غلبه‌ی آن‌ها بر حقیقت وجودی خود می‌شوند.

آنان با بالا رفتن سطح درک و معرفتشان، توان اندیشیدن در مورد حقایق هستی را کسب می‌کنند و در سایه‌ی خردورزی، به‌عنوان خاستگاه اصلی خودشناسی و در پرتو راهنمایی‌های حجّت‌الاهی، به درون خود نگرش و تأمل دیگری خواهند داشت و برای شکوفا کردن استعدادها و سرمایه‌های نهفته‌ی در خود حرکتی جدی و مستمر خواهند کرد. مردمان عصر ظهور با شناخت نیروها، سرمایه‌های ارزشمند و ابزار و امکانات روح به خودشناسی و در نهایت به کمال و رشدی که لایق و شایسته‌ی مقام و منزلت انسان است، خواهند رسید و در واقع به رتبه ارزشمند «خودشناسی» نایل می‌شوند.

امام علی علیه السلام دستیابی به خودشناسی را از رهگذر خرد دانسته‌اند که کارکردی نظری است. امام فرموده‌اند:

هر کس خود را شناخت خرد ورزیده [از عقل بهره‌جسته] و آن‌که خود را نشناخت گمراه شد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲).

۲. خداشناسی

«معرفت خداوند» متعال از موضوعات بسیار اساسی و حائز اهمیت است. امام صادق علیه السلام اولین علم و معرفتی را که همه‌ی مردم باید به آن آگاه باشند، «خداشناسی» می‌دانند (کلینی،

۱۳۶۵: ۵۰) و این اولین علم را مهم‌ترین علوم نیز دانسته‌اند (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۶۲). در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام معرفت به خداوند متعال سرآغاز دین (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۹) و همچنین پایان راه عنوان شده است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۳۱).

به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اگر مردم می‌دانستند در خداشناسی چه ارزشی وجود دارد، هرگز به شکوفه‌های زندگی دنیا و نعمت‌های آن که خداوند متعال دشمنان خود را با آن‌ها بهره‌مند ساخته است، نظر نمی‌افکندند و دنیایشان در نظر آن‌ها پست‌تر و بی‌ارزش‌تر از چیزی بود که بر آن پا می‌نهند و از نعمت شناخت خداوند متعال بهره‌مند می‌شدند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۲۴۷).

منظور از شناخت حضرت حق، رسیدن به حقیقت ذات باری تعالی نیست؛ زیرا شناخت ذات او به هیچ وجه در حیطه علم ممکنات قرار نمی‌گیرد (همان، ج ۱: ۹۲). این نوع شناخت برای هیچ موجودی، از جمله انسان ممکن نیست. این مقام، مقام غیب الغیوبی است که خداوند به هیچ موجودی آگاهی به این منطقه را اجازه نداده است. همچنین احاطه تام پیدا کردن به اسما و صفات الاهی کما هو حقّه، میسر و ممکن نیست، به دلیل این که ممکنات متناهی و محدود، قدرت اشراف کامل بر نامتناهی را ندارند (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۸۸). اما شناخت ناپذیری ذات خداوند متعال و همچنین نبود توان بر احاطه تام نسبت به اسما و صفات باری تعالی به این مفهوم نیست که هیچ گونه شناختی نسبت به حضرت حق، مقدور و میسر مخلوق نیست، بلکه می‌توان گفت گونه دیگری از شناخت در مورد حق تعالی وجود دارد (همان). انسان می‌فهمد که جهان هستی دارای آفریدگاری است که از اسما و اوصافی برخوردار است و اگر چه وی به دلیل محدودیت عقل، توان احاطه کامل بر اسما و اوصاف او را ندارد؛ هر شخصی به قدر توان، سعه و ظرفیت وجودی خویش، به این مسائل به آگاهی و شناخت دست می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۷۰۰-۷۰۱).

از ابتدای آفرینش بشر، همواره پیامبران و اوصیای آن‌ها، انسان‌ها را به شناخت و ایمان به وجود خالق هستی فرا خوانده‌اند؛ با این همه تأکید و ترغیب به مقوله خداشناسی، بیش‌تر انسان‌ها با زیر پا گذاشتن دستورات رهبران الاهی، فطرت خداجویی و خداشناسی خویش را

با حجاب‌ها و زنگارهای جهل و تردید پوشانده‌اند و در صفوف کفر و بی‌دینی و شرک قرار گرفته‌اند.

انسان‌های عصر ظهور با بهره‌گیری از عقل به دنبال کسب حقایق، از جمله خداشناسی که از مهم‌ترین کارکردهای شناختی عقل است، خواهند رفت و نهایتاً معرفت و شناخت آن‌ها به خداوند متعال در تمام سطوح خداشناسی ارتقا می‌یابد. در این صورت، با تالّو عقل، یکی از محورها و برنامه‌های اصلی رسالت پیامبران الهی در جامعه عصر ظهور به ثمر خواهد نشست.

هر اندازه عقل بشر کامل‌تر شود، شناختش به عالم کاینات، اعم از موجودات مادی و مجرد بیش‌تر می‌شود. انسان در سایه این شناخت، هرگونه استقلال را از غیر خدا نفی می‌کند و می‌فهمد که آن‌ها عین نیاز بوده و به وجود مستقلی متکی هستند و با اراده و خلقت خداوند پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. به طور طبیعی وقتی انسان به چنین ارتباطی بین کاینات و خالق هستی واقف گردد، معرفت و شناخت او به پروردگار بیش‌تر شده، به او نزدیک و نزدیک‌تر می‌گردد. برخی از نویسندگان نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

یکی دیگر از خاصیت‌های عقل این است که با رشد خود، عامل جدایی حق از باطل می‌گردد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۹۸) و چون خداوند متعال حق محض است، طبعاً با رشد عقل، نور خدا بیش‌تر نمایان می‌شود. انسان با جلوه‌گری حق، بیش از پیش خدا را احساس کرده و معرفتش به او افزون‌تر می‌گردد که حاصل آن قرب به خداوند متعال است. در بخشی از حدیث قدسی معراج که به بیان حالات مؤمن هنگام مرگ و ورودش به بهشت می‌پردازد، آمده است:

خداوند! چگونه رضایت تو را نجویم و حال آن که تو عقل مرا کامل کردی تا تو را شناخته و تشخیص حق از باطل را دانستم (همان: ۳۰۳-۲۰۴).

رسول خدا ﷺ در مورد خداشناسی به عنوان یکی از کارکردهای شناختی و نظری عقل؛ می‌فرماید: «پروردگار ما به وسیله عقل شناخته می‌شود» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴).

آیت‌الله مکارم شیرازی سرچشمه معرفت نسبت به حق تعالی را رشد عقلانی بشر می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

۳. دین‌شناسی

آشنایی با دین، به عنوان یکی از مهم‌ترین شناخت‌ها، عاملی قدرتمند و تأثیرگذار بر زندگی انسان است؛ به گونه‌ای که سعادت دنیوی و اخروی انسان در سطح فردی و اجتماعی به آن وابسته است.

در مورد دین، تعاریف متعددی از سوی جامعه‌شناسان و اندیشمندان دینی صورت گرفته است و هر کدام از زاویه خاصی به دین نظر کرده‌اند. آنان در صدد بوده‌اند تا مهم‌ترین ویژگی‌های دین را بیان کنند. لذا به نظر می‌رسد ارائه تعریفی جامع و کامل از دین امری دشوار است؛ به گونه‌ای که شاید برخی از این تعاریف قابل جمع نباشند. از سوی دیگر با توجه به مباحث گذشته روشن است که مراد ما از دین، دین روشن‌نگر اسلام است که در دوران باشکوه ظهور، مردم به دلیل رشد عقول، پذیرای آن خواهند بود. به همین دلیل از نقل و بررسی تعاریف دین و ورود به مباحث جزئی و اختلافی صرف نظر می‌کنیم و همین مقدار را متذکر می‌شویم که دین مورد نظر در این‌جا خصوصاً اسلام است (آل عمران: ۱۹) و کلام تنی چند از عالمان و اندیشمندان که دین را شامل سه قسم: اعتقادات، اخلاق و احکام دانسته‌اند؛ همچون (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۵ و جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۶)؛ را ملاک قرار داده‌ایم.

خداوند متعال در قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام با سفارش‌های اکید، انسان‌ها را به سوی این شناخت مهم تشویق و ترغیب کرده‌اند (توبه: ۱۲۲ و برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۵). این مهم متأسفانه با ورود موانعی، از مسیر واقعی خود که اجرای شایسته آن در سایه حکومت رهبران الهی است خارج شده است. بیش‌تر انسان‌ها، جز گروهی اندک، از محتوای دین و تعالیم روشن، مستحکم و استوار آن دور شده‌اند و زندگی کفر آلود و مشرکانه‌ای برای خود رقم زده‌اند. این جریان در آخرالزمان فزونی یافته و روز به روز شناخت دین و دین‌داری کم‌رنگ‌تر و بدعت‌ها و تحریف‌ها افزون‌تر خواهد شد (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۱۵۰، خ ۱۰۳).

ولی خداوند متعال از جهانی شدن دین مبین و پیروزی کامل آن بر تمام ادیان عالم خبر داده است (توبه: ۳۳).

این وعده الهی در عصر حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام که هدف ظهورش احیای دین خداست (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۷۹) تحقق خواهد یافت و آیین واحدی بر جهان حاکم می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۸).

اما سؤال اساسی آن است که چرا در عصر ظهور دین رونق می‌یابد؟ پاسخ را باید در درخواست درونی تمام انسان‌ها جست و جو کرد و آن، درخواست «سعادت» است. هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که مشتاق رسیدن به سعادت نباشد؛ اما مشکل اصلی آن جاست که شیاطین انس و جن، راه رسیدن به سعادت را از انسان‌ها دریغ کرده و مسیرهای منحرفی را که سرانجام آن شقاوت است، به عنوان راه سعادت معرفی کرده‌اند؛ اما وقتی ظهور واقع می‌شود، تمام این حباب‌ها نابود می‌شوند (رعد: ۱۷). مردمان آن عصر در سایه رشد عقلی، آگاه می‌شوند و راه اصلی را به وضوح می‌بینند. آنان می‌فهمند که تنها از مسیر شناخت دین و دین‌داری است که می‌توانند به سعادت در دنیا و آخرت نایل شوند. به عبارت دیگر: می‌توان گفت رونق یافتن دین در عصر ظهور به دلیل رشد و تکامل عقول است؛ زیرا دین راه رسیدن به رستگاری است و هنگامی که غبار جهل و گناه، کنار رود، راه از بی‌راهه تشخیص داده می‌شود و انسان تشخیص می‌دهد اومانیسیم و سکولاریزم او را به خوشبختی نمی‌رساند و سعادت دنیا و آخرت تنها در سایه اطاعت محض از حضرت حق و گوش جان فرادادن به دستورات او فراهم می‌آید.

به همین دلیل، در عصر ظهور مقوله دین‌شناسی و دین‌داری؛ جایگاه و ارزش والای خود را باز می‌یابد.

بنابراین، دین‌شناسی یکی از مهم‌ترین کارکردهای شناختی عقل است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دین و ادب نتیجه عقل است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۴).

علامه جوادی آملی دست یافتن به موضوع دین‌شناسی را از رهگذر رشد عقلانی بشر در عصر ظهور دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

این امور تنها به دست خداست و با بندگی خدا همه را در اختیار می‌گیرد و مهم‌تر آن که انسان، با رشد عقل، بی‌ارزش بودن عزت و قدرت و مال و حکومت دنیا را درک می‌کند و دیگر دل به آن‌ها نمی‌سپرد.

بنابراین، در عصر ظهور، از رهگذر رشد عقل عملی و رهایی مردم از بندگی دیگران است که روح تشنه جامعه بشری با شعاع روح‌بخش عبادت، سیراب و کامیاب می‌گردد.
امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«عاقل‌ترین شما، فرمان‌بردارترین شما از [حق تعالی] است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۱۳).
علامه جوادی آملی روی آوردن به عبادت را از رهگذر عقل عملی میسر می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

۲. عدالت

«عدالت» از جمله آثار رشدیافتگی عقل در حوزه عملی است. عدالت‌خواهی، امری فطری به شمار می‌آید و برقراری عدالت در تمام زمینه‌ها از آرمان‌ها و آرزوهای انسان در طول تاریخ بوده است. این مهم از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در قرآن کریم، یکی از اهداف بعثت پیامبران و نازل کردن کتاب‌های آسمانی و قوانین و موازین استوار و محکم الهی را اقامه عدالت در میان جامعه و از بین بردن ظلم و ستم در میان آنان دانسته است (حدید: ۲۵).

بشر بر اثر پیروی از هوای نفس و عدم پذیرش ولایت و سرپرستی حاکمان الهی و دور بودن از معارف دینی و در نتیجه عدم آمادگی لازم برای پذیرش عدالت، در طول تاریخ؛ حتی در حکومت رهبران الهی، شاهد بی‌عدالتی در جنبه‌های فردی و اجتماعی بوده است.
امام خمینی اجرای عدالت در سراسر گیتی را رسالت همه انبیا دانسته که در عصر خویش، به این امر موفق نشده‌اند (خمینی، بی‌تا، ج ۱۲: ۴۸۰).

به بیان روایات، این بی‌عدالتی در آخرالزمان به اوج خود خواهد رسید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۳۸)؛ چرا که برقراری عدالت در میان جوامع تنها با حضور رهبران الهی و وجود معارف دینی، به سرانجام نمی‌رسد، بلکه تحقق این مهم علاوه بر حضور حاکم عدالت گستر و وجود

قوانین محکم الاهی، به یارانی مخلص و کارآمد و مردمی پذیرای عدالت نیازمند است؛ ولی بیشتر مردمان با تقویت نیروهای نفسانی، نیروهای عقلانی خویش را تضعیف می‌کنند و با خاموشی نور عقل و فطرت، همواره با عدل و داد مخالفت ورزیده، زیر بار عدالت و گسترش آن در میان جوامع نمی‌روند.

اما مردمان عصر ظهور که از آمادگی لازم برخوردارند، به دلیل بهره‌مندی از تعلیم و تربیت امام عصر علیه السلام و تکامل عقولشان و برگشت به فطرت سالم خود، پذیرای حکومت امام خواهند شد و به سوی عدل و عدالت و برقراری آن در میان جوامع روی می‌آورند. بنابراین، یکی از بارزترین ویژگی‌ها و دستاوردهای مهم حکومت مهدوی که نشان دهنده رشد یافتگی عقل عملی است؛ گسترش عدل و داد در تمامی جنبه‌های زندگی و برچیده شدن ظلم و ستمگری از صحنه گیتی خواهد بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۸).

امیرالمؤمنین علیه السلام در تعبیری گهربار فرموده است:

«عدالت، حاصل و نتیجه عقل است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۶).

۳. دوری از گناه

دیگر مصداق رشدیافتگی عقل، در حوزه عملی؛ دوری جستن از گناه است؛ زیرا پرهیز از گناه به عقل عملی مربوط است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۵۶). بدون تردید گناه و مداومت بر آن آثار زیان‌بار فراوانی دارد و تمام شئون حیات فردی و اجتماعی آدمی را دست‌خوش نابودی می‌کند و در نتیجه بین انسان گناهکار و خالق هستی حجابی آویخته می‌شود؛ در نتیجه رابطه انسان با خالق متعال قطع می‌شود. آیات و روایات متعددی انسان‌ها را از سقوط در پرتگاه گناه و عواقب شوم آن، بر حذر داشته‌اند (احزاب: ۳۶ و کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۶۸).

اما بیش‌تر مردم با زیر پا نهادن دستورات و آموزه‌های الاهی، شخصیت معنوی و انسانی خویش را در خدمت شهوات و تمایلات حیوانی درآورده‌اند؛ چرا که آنان از نعمت عظیم عقل بهره‌مند نشده‌اند. با تعطیلی عقل و حاکمیت غرایز و شهوات، آدمی توان تشخیص سود و زیان دنیوی و اخروی خود را از دست می‌دهد. در این صورت، زشتی و پستی گناه را درک

نمی‌کند و طبعاً با ارتکاب گناه و مداومت بر آن، از آثار شوم گناه در امان نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۳۴).

طوفان سهمگین گناه به تدریج جنبه معنوی بشر را از بین می‌برد؛ به گونه‌ای که در آخرالزمان به اوج خود می‌رسد (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۱۵۷-۱۵۸).

در عصر ظهور که انسان از عقل رشد یافته‌ای برخوردار می‌گردد، مضرات و منافع خود را می‌شناسد و درمی‌یابد که بزرگ‌ترین خسارتی که متوجه انسان می‌شود و او را از رسیدن به قرب الاهی باز می‌دارد؛ از ناحیه ارتکاب معاصی است. طبیعتاً چنین انسانی، دیگر نه تنها عمداً به سراغ گناه نمی‌رود حتی به فکر گناه کردن نمی‌افتد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«به درستی که خردمندی در دوری کردن از گناه و نظر کردن در عاقبت‌ها و به کار بردن دوراندیشی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۱۷).

آیت الله جوادی آملی ارتکاب معاصی و مداومت بر آن‌ها را به دلیل مشکل عقلی و عدم بهره‌مندی از آن دانسته و دوری جستن از گناه را نشانه حیات عقلی می‌داند که دارای مراتبی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۵۲۲-۵۲۳).

البته این بدان معنی نیست که در عصر ظهور، گناه به طور مطلق از بین خواهد رفت؛ بلکه می‌توان گفت به واسطه رشد عقلانیت و خردورزی در مردم، انگیزه‌های ارتکاب گناه و در نتیجه ارتکاب معاصی بسیار کم خواهد شد. در عصر ظهور، حضرت ریشه‌های فساد و گناه را از بین خواهند برد؛ در عین حال، ممکن است افرادی در جامعه آرمانی حضرت، به گناه و انحراف دچار شوند؛ زیرا طبق برخی روایات گرچه ابلیس کشته خواهد شد (بهاءالدین نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۸۲-۸۳). و مردم از شر وسوسه‌های او نجات خواهند یافت؛ این، به معنای از بین رفتن همه شیاطین نیست؛ زیرا شهوت و غضب و دیگر شیاطین وسوسه‌گر در زمان ظهور نیز وجود دارند. به دیگر سخن: مردمان عصر ظهور نیز از حق انتخاب و اختیار برخوردار هستند. به همین دلیل ممکن است برخی گرفتار ارتکاب معاصی نیز بشوند.

نتایج ابزاری

یکی دیگر از کارکردهای عقل که مورد ستایش اسلام است، «کارکرد ابزاری عقل» است. عقل در این نوع کارکرد؛ که از آن به «عقل معاش» نیز تعبیر می‌شود، نیرویی است که مردمان با به کارگیری آن به تأمین، تدبیر و تنظیم امور زندگی و معاش خود می‌پردازند (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

البته عقل ابزاری یا عقل معاش مورد تأیید اسلام، با عقل ابزاری مطرح شده توسط برخی اندیشوران غربی متفاوت است. آنان عقل معاش را در طول شهوت و هوای نفس می‌دانند که از خدمت به دین و معنویت و آخرت انسان شانه خالی می‌کند و تنها معطوف به دنیای مادی است و در مقابل عقل نظری و عملی قرار دارد (برنجکار، ۱۳۸۰: ۳۸ و الهی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

عقل ابزاری در این نوع کارکرد در خدمت عقل نظری و عملی بوده و زمینه‌ساز زندگی سعادت‌مندان در دنیا و آخرت است.

در ذیل به نمونه‌ای از روایات در این مقوله اشاره می‌شود. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «بهترین مردم از نظر عقل، بهترین آنان از لحاظ تأمین معاش و با همت‌ترین آن‌ها نسبت به اصلاح معاد خود است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲).

با نگاهی به روایات معصومین علیهم السلام در مورد زندگی مردمان عصر ظهور، در می‌یابیم که مقوله‌هایی نظیر اقتصاد، مدیریت و سیاست به رشد بی‌سابقه‌ای خواهند رسید. این دریافت ما را به این نکته رهنمون می‌شود که رشد جامعه بشری در این موارد گویای رشدیافتگی عقل ابزاری در آن جامعه است.

در ادامه به برخی مصادیق که گویای رشد شاخصه‌های عقل ابزاری در دوران ظهور است، خواهیم پرداخت:

۱. اقتصادی

«اقتصاد»، یکی از مصادیق رشد یافتگی عقل ابزاری است. در آن عصر بر اثر رشد نیروی عقلانی بشر و نقش هدایتی و نظارتی امام علیه السلام و فراهم شدن همه زمینه‌های علمی و عملی؛ تمام ظرفیت‌های اقتصادی جهان، به کار گرفته خواهند شد؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ

بی‌سابقه بوده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۸). در سایه حکومت عدالت گستر آن حضرت و از بین رفتن نظام طبقاتی و فاصله‌های اقتصادی، وضع اقتصاد عمومی بهبودی کامل می‌یابد. مهم این است که چگونه با تکامل عقل، وضع اقتصادی بهبود می‌یابد؟ در این مورد به چند نکته که از روایات استفاده می‌شود، می‌توان اشاره کرد:

۱. پایان دادن به رقابت‌های ناسالم اقتصادی: با رشد عقل ابزاری، فرد در می‌یابد که رقابت‌های ناسالم، در اصل به ضرر اقتصاد خواهد بود؛ هرچند ممکن است سود مقطعی داشته باشد. لذا از چنین کارهایی پرهیز می‌کند و این به نوبه خود به اقتصاد جامعه رونق و بهبود می‌بخشد. امام باقر علیه السلام فرموده است:

تمام ثروت‌های اهل دنیا، از درون زمین گرفته تا روی زمین به سوی او جمع می‌گردد. پس به مردمان می‌گوید: بیایید به سوی آنچه به خاطرش قطع رحم می‌کردید؛ خون‌های حرام [به ناحق] را می‌ریختید و مرتکب آنچه خدا حرام کرده بود، می‌شدید. پس او [از مال و منال] به مردمان چنان بخشش می‌کند که قبل از او احدی آن‌گونه عطا نکرده است (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۱۱۴).

۲. پرداخت حقوق مالی: وقتی عقل معاش کامل شد، فرد در می‌یابد که برای رونق اقتصاد باید حقوق مالی را پرداخت کند و این را ضروری برای خود نمی‌بیند؛ بلکه آن را موجب تقویت اقتصاد جامعه می‌بیند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

خداوند متعال از زمین، بذرش را بیرون می‌آورد و از آسمان بارانش را نازل می‌کند و مردم [از روی رغبت] مالیات خود را بر دوش گرفته به سوی مهدی علیه السلام می‌برند و خداوند به شیعیان ما [در امور زندگی] وسعت می‌دهد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۱).

۳. غنای باطنی: وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۴)؛ یعنی

افراد با تکامل عقلشان، احساس نیازهای کاذبشان کنترل می‌شود و دیگر برای جمع‌آوری اموالی که خارج از نیاز آنها است، حرصی ندارند. لذا با آن که مستمند و نیازمند هستند؛ از پذیرش زکات سر باز می‌زنند و به کم خویش قناعت می‌کنند.

در روایت مفضل از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین گنج‌های خود را آشکار می‌گرداند؛ به نوعی که مردم آن‌ها را بر روی زمین می‌بینند و مردی از شما کسی را جست‌وجو می‌کند که از مالش به او عطا کند و زکات مالش را از او بپذیرد؛ اما چنین شخصی که این‌ها را از او قبول کند، نمی‌یابد و مردم به سبب آنچه خداوند متعال از فضل خویش به آن‌ها روزی نموده [از دیگران] بی‌نیاز می‌گردند (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۸۱).

بنابراین می‌توان گفت تغییراتی از این دست موجب رونق اقتصادی می‌شود.

۲. مدیریتی

«مدیریت»، خواه به مفهوم خاص (مدیریت سازمان‌ها و نهادها) و خواه به مفهوم عام آن (گرداندن و اداره کردن در هر سطح و هر مجموعه‌ای) اصلی ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای ادامه حیات بشر به حساب می‌آید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۰۱). مدیریت با اتخاذ تصمیم در شرایط مختلف، به عنوان عمده و وظیفه‌اش در هدایت مجموعه تحت پوشش، می‌تواند عاملی باشد برای رشد و اعتلای آن مجموعه یا به انحطاط کشاندن آن سازمان. در عصر ظهور، حکومت جهانی اسلام و تمام مجموعه‌های تحت پوشش آن، با محوریت و بهره‌مندی از امام معصوم علیه السلام بر اساس کارآمدترین شیوه مدیریتی اداره و هدایت خواهند شد. در آن روزگار، مدیران و کارگزاران حضرت- در پرتو کمال عقل و سلامت- از شایستگی و توانایی مدیریتی فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. دیگر مردمان نیز حاکمان و زمامداران حکومتی را یاری می‌دهند. روایتی از امام باقر علیه السلام به بخشی از مدیریت بانوان در جامعه عصر ظهور اشاره می‌کند که این نکته گویای فراگیر بودن قدرت مدیریت (مرد و زن) در عصر ظهور است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام به شما حکمت خواهند داد، تا آن‌جا که زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا، حکم خواهد کرد. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹).

«قضا» فقط؛ به معنای قضاوت رایج نیست، بلکه به معنای حکم کردن متقن، مستحکم و استوار در هر کاری است (ابن فارس، بی تا، ج ۵: ۹۹).

با عنایت به این نکته، در زمینه این روایت دو دیدگاه وجود دارد: یک نگاه معتقد است که بانوان در تمام اموری که به خانه و خانواده مربوط است و در حیطه مسئولیت آنان قرار دارد، به تصمیم‌گیری و حکم کردن قادر خواهند بود. به دیگر سخن: بانوان در محیط خانواده در سه محور: خانه‌داری، بچه‌داری و شوهرداری، مدیریت داخلی این واحد کوچک؛ اما مهم را بر عهده می‌گیرند. اموری نظیر شوهرداری نیکو، مادری، پاسداری از کیان انسانی و دینی خانواده، نظارت بر روابط اعضای خانواده نسبت به هم، تنظیم دخل و خرج و اعتدال و حسن تدبیر در مصرف را برای تأمین مایحتاج زندگی می‌توان از جنبه‌های مهم مدیریتی بانوان عصر ظهور به شمار آورد.

دیدگاه دیگر این که به مردمان عصر ظهور به اندازه‌ای حکمت داده می‌شود که زن خانه‌دار در خانه خود، بلکه در مسائل بیرون از خانه هم تصمیم‌گیری و حکم می‌کند و در واقع در عصر ظهور، انقلابی علمی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که زنان در خانه خود، توأم با مدیریت خانه، می‌توانند در عالی‌ترین سطوح جهانی در مورد همه مسائل نظریه‌پردازی، تصمیم‌گیری و داوری کنند (رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۱).

به هر حال، با توجه به دو نگاه موجود، می‌توان این واقعیت را دریافت که وقتی زنان خانه‌دار با اتخاذ تصمیم درست، امور خود را مدیریت می‌نمایند، در سطح کلان جامعه و مدیریت‌های فراگیرتر، در پیشرفت نظم و دقت در مدیریت، اتفاقات بزرگی خواهد افتاد. تمام مدیریت‌ها بر پایه‌های قوی علمی و دینی استوار خواهند شد و در عین حال، با تقوا و خداترس خواهند بود؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

آن گاه که قائم علیه السلام قیام نماید، در هریک از مناطق زمین فردی را بر می‌گزیند و به او می‌فرماید: عهد تو [دستورالعمل تو] در کف دست تو است. هرگاه کاری برای تو روی دهد که آن را نفهمیدی [ندانستی که حکمش چیست] و شیوه داوری آن را ندانستی، به کف دست خود نگاه کن و بر اساس آن عمل کن [که آنچه در آن مشاهده کردی، همان تکلیف تو است] (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۹-۳۲۰).

در روزگار ظهور، مردمان عصر ظهور در سایه رشد و شکوفایی عقل و بهره‌مندی از این گوهر گران‌مایه، به جایگاه دنیا و سرای آخرت واقف خواهند شد و لذا از تصمیم‌گیری و حکم نمودن جاهلانه و نابخردانه پرهیز می‌کند و با بهره‌گیری از موهبت بی‌بدیل عقل، تمام کارهای مربوط را ساماندهی و مدیریت می‌کنند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۷۷). بنابراین، مدیریت صحیح، بخشی از کارکرد عقلانیت و خردورزی است. به دیگر سخن: عقل پایه و اساس مدیریت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«بهترین دلیل بر بسیاری عقل، حسن تدبیر است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۴).

۳. سیاسی

«بلوغ سیاسی»، به معنای رشد فکری و آگاهی در مسائل سیاسی جامعه و داشتن خط فکری صحیح و اطاعت از رهبران شایسته است.

رشد بینش سیاسی در میان مردم، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه‌های استقامت و استواری حکومت دینی است. حاکم اسلامی زمانی می‌تواند اصول و ارزش‌های اسلامی را در جامعه اجرا کند که مردمان آن جامعه، احکام و قوانین مطرح شده از سوی رهبر الهی را بپذیرند و او را در این مسیر پیروی و همراهی کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۶)؛ و رهبری الهی از این رهگذر جامعه اسلامی را در مسیر اهداف، برنامه‌ها و اندیشه‌های الهی پیش ببرد.

در بیش‌تر جوامع، مردم بر اثر پیروی از تمایلات نفسانی و عدم رشد سیاسی، از پذیرش ولایت و سرپرستی حاکمان الهی سرباز زده و سلطه و نفوذ افرادی را پذیرفته‌اند که در بند هوای خود هستند. روایات گویای آن است که عدم بینش سیاسی مردمان و عدم احساس مسئولیت آنان در قبال سرنوشت خویش و جامعه و در نتیجه پذیرش دیگر حاکمیت‌ها، در دوران پیش از ظهور شدت می‌یابد (شریف الرضی ۱۴۱۴: ۴۸۵-۴۸۶).

تکیه افرادی بر اریکه قدرت که شایسته این جایگاه نیستند، نشان دهنده این واقعیت است که از سوی جامعه مورد پذیرش واقع شده‌اند و این حقیقت نشان دهنده عدم بینش سیاسی مردم است.

مردمان عصر ظهور، در بعد سیاسی و فهم دقیق مسائل نیز به رشد و بالندگی مطلوبی خواهند رسید. برخی روایات، ویژگی‌هایی برای مردمان عصر ظهور ذکر کرده‌اند که می‌توان گفت تحقق چنین خصوصیتی در مدینه فاضله نشان دهنده رشد و بلوغ سیاسی مردمان آن جامعه است، چنان که امام رضا علیه السلام فرمودند:

ای دعبل! ... امام پس از حسن علیه السلام فرزندش، حجت قائم علیه السلام است که در عصر غیبتش انتظار او را خواهند کشید و در دوران ظهورش از ایشان اطاعت می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶۶).

علاوه بر مطیع بودن مردمان جامعه؛ موارد دیگری وجود دارد که تحقق هر کدام از این موارد در جامعه اسلامی، نوع تعامل مردم را با حاکم و حکومت اسلامی نشان می‌دهد. این نوع تعاملات ما را به این نکته رهنمون می‌سازند که اگر در جامعه چنین شاخصه‌هایی عینیت یابند، نشان دهنده رشد عقلانیت مردم و در نتیجه بلوغ سیاسی آن جامعه است. در فرمایش ذیل گرچه به دوران ظهور تصریح نشده است؛ از آن جا که به تعامل صحیح بین حکومت اسلامی و مردم مربوط است؛ شامل دوران حکومت مهدوی و جامعه رشد یافته عصر ظهور نیز می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

أما حق من [حاکم] بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید و در حضور و نهان نسبت به من خیرخواهی کنید و هنگامی که شما را فراخواندم، اجابت کنید و هنگامی که به شما دستوری دادم، از آن اطاعت نمایید! (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۷۹).

در عصر ظهور که عصر شکوفایی و رشدیافتگی مردمان، در تمام جنبه‌های زندگی است، مردمان از رشد و بلوغ سیاسی نیز برخوردار می‌شوند.

اما این که چگونه با شکوفایی عقل، رشد و بلوغ سیاسی حاصل می‌شود، می‌توان گفت با رشد عقل، برای مردم، جایگاه و مقام امام روشن می‌شود و در واقع انسان در سایه رشد عقل، درک می‌کند که امام سیاستمداری است که سیاست او بسان دیگر اعمالش بر محور عصمت است و حاکمی است مجری تعالیم و قوانین هدایت‌گر الهی، نه مجری هوس‌ها و

خواسته‌های خویش. از سوی دیگر انسان عصر ظهور با رشد عقلش به ضعف و ناتوانی خویش و نیازش به انسان کامل و تعالیم روح‌بخش الهی پی می‌برد؛ و لذا ولایت و سرپرستی او را با جان و دل می‌پذیرد، که این نشان دهنده نهایت شعور و آگاهی و رشد و بلوغ سیاسی اوست.

۴. امنیت

«امنیت کامل و همه جانبه» از مسائل مهم و حیاتی برای هر جامعه است. امنیت در جنبه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... به عنوان یکی از احتیاجات اساسی بشر (حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰)، نعمتی است که بدون آن حیات مردمان مختل می‌شود. در بیشتر جوامع بر اثر نبود عقلانیت و پیروی از تمایلات نفسانی و عدم تبعیت از رهبران الهی، تجاوز به حقوق افراد و در نتیجه بروز مظاهر نامنی نظیر فساد، غارت اموال و جنگ را شاهد هستیم. رفته رفته هرج و مرج، خوف و ترس و عدم آرامش خاطر در مردمان افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که در آخرالزمان به نهایت حد خود خواهد رسید (خزازه‌ری، ۱۴۰۱: ۶۳-۶۴).
بر اثر خوی تجاوز طلبی قدرت‌های حاکم، امنیت از میان حکومت و ملت‌های ضعیف پیش از ظهور برچیده خواهد شد (طیسی، ۱۳۸۲: ۳۴).

اما در عصر نورانی ظهور، امنیت در همه ابعاد و در حد اعلای خود ظهور می‌یابد و سرتاسر جهان را فرا می‌گیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۳۹۸). در آن دوران، قانون بر جامعه حکم‌فرما می‌شود و مانع زورگویی و تجاوز به حقوق دیگران می‌شود. در سایه رشد عقل و حاکمیت قانون الهی، علل و عوامل و مظاهر نامنی از جامعه رخت می‌بندد. حقوق افراد رعایت می‌شود، خوف‌ها زایل می‌شوند و جامعه‌ای امن پدید می‌آید که در آن، منافع همه مردم تأمین می‌شود و مردمان با آرامش خاطر زندگی می‌کنند (نور: ۵۵).

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند این آیه شریفه در باره امام عصر علیه السلام و یاران او نازل شده است.
(نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۰).

اما سرّ این که چگونه با رشد عقل امنیت کامل و همه جانبه در میان مردمان و جامعه حاکم می‌گردد، می‌توان گفت آدمی با رشد عقل می‌فهمد که آنچه مایه آرامش و خوشبختی

است، امنیت واقعی و فراگیر است. لذا امنیتی جزیره‌ای که تنها شامل ثروتمندان و قدرتمندان باشد دوام و کارایی نخواهد داشت و قانون‌گریزی، سبب هرج و مرج، بی‌نظمی و ایجاد مظاهر ناامنی می‌شود. راه صحیح و شایسته؛ همان دین‌داری و تکلیف محوری و تبعیت از قوانین الهی و رعایت حقوق دیگران خواهد بود و این درک، بر اثر رشد عقلانی او است. علامه جوادی آملی حاکمیت امنیت و آرامش در جامعه مهدوی را حاصل عبور از مرحله حیوانی و کمال عقل دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۶۴).

نیز با توجه به این که عصر ظهور، عصر مردمان عاقل و خردمند است، تعامل میان آن‌ها نیز آرامش بخش است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«همدمی و هم‌نشینی با شخص خردمند، همراه با امنیت و آرامش است و ضرر و زیانی به مصاحب او نمی‌رسد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۹).

۵. بهره‌گیری از طبیعت

«طبیعت» موهبتی الهی است که مکتب اسلام، ارزش و جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل شده است. در قرآن و احادیث بسیار (هود: ۶۱ و کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۸)؛ درباره طبیعت و منابع طبیعی و محیط زیست؛ گویای نقش و اهمیت این موهبت الهی در بقای نسل بشر، پرورش و کمال او و حیات دیگر آفریده‌های خداوند است.

میان انسان و طبیعت پیوندی ناگسستنی وجود دارد و دین مقدس اسلام انسان‌ها را به بهره‌گیری از منابع طبیعی توصیه کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹).

انسان‌ها در بهره‌برداری از این نعمت الهی مسئول هستند و ضمن بهره‌مندی از مواهب طبیعی، باید همواره در راه حفظ سلامت و پایداری این سرمایه عظیم بکوشند (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۲۴۲).

اما متأسفانه بشر در طول تاریخ، به‌ویژه با پیشرفت فن‌آوری، با تصرفات خودخواهانه و غیر مسئولانه و بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن؛ به جای عمران و آبادانی زمین (هود: ۶۱)، سبب نابسامانی‌هایی در طبیعت شده است؛ اما در دوران ظهور، در سایه تعالیم امام

زمان ﷺ و رشد عقل، دگرگونی شگفت‌انگیزی در طبیعت رخ خواهد داد و اوضاع نابسامان آن تغییر خواهد یافت. در آن روزگار، از تمام امکانات، نیروها و ظرفیت‌های زیست محیطی، بهره‌برداری صحیح و استفاده کامل به عمل خواهد آمد. طبیعت حیاتی تازه می‌یابد و عمران و آبادانی سراسر گیتی را فرا می‌گیرد (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۹۴).

اما این مهم در عصر ظهور چگونه امکان خواهد یافت؟ این اتفاق مبارک به دو شکل قابل تبیین است: بیان معنوی و الهی و بیان مادی و طبیعی. در تبیین دینی و الهی می‌توان گفت: بشر در عصر ظهور از رهگذر رشد عقل، در مسیر صحیح بندگی خداوند متعال قرار می‌گیرد. و لذا خداوند متعال او را از مواهب طبیعت بهره‌مند و برکات آسمانی و نعمت‌های زمینی خود را بر او نازل می‌کند (اعراف: ۹۶). بشر در پرتو رشد عقل و بندگی راستین خالق هستی، از همه امکانات و ظرفیت‌های زیست محیطی بهره کامل می‌برد. در واقع سرسبز شدن تمام مناطق جهان و آمدن باران‌های کافی و به‌موقع، نبود آفات و مشکلات؛ همه و همه بر اثر تقوا و قدرت معنوی جامعه خواهد بود (فقیه ایمانی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

در تحلیل دوم که بیانی زمینی و طبیعی است، می‌توان گفت که مردمان عصر ظهور بر اثر رشد عقلانی و پیشرفت علمی به لزوم بهره‌برداری درست و منطقی از مواهب طبیعت، نظیر: زمین‌ها، آب‌ها، مراتع و جنگل‌ها پای بند می‌شوند. و ضمن استفاده از مواهب طبیعی از تخریب محیط زیست می‌پرهیزند.

علامه جوادی آملی، سامان بخشیدن به محیط زیست و بهره‌مندی از مواد خام زمین را حاصل بهره‌مندی از هدایت‌های وحی، رشد عقلانی بشر و به کارگیری هوش، استعداد، فناوری و خلاقیت انسان‌ها می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۸).

نتیجه گیری

در این تحقیق، بر اساس آیات و روایات، معلوم گردید که تمرکز و تکامل عقول دارای دستاوردهایی است. مردمان عصر ظهور در پرتو تکامل عقل، به حقایق و معارف ارزشمندی

همچون شناخت خود و خالق هستی می‌رسند و به دین معرفت کافی پیدا می‌کنند. آنان همچنین از رهگذر رشد عقل به ارزش‌هایی نظیر عبادت، عدالت و دوری جستن از گناه آراسته می‌شوند که نشان تعالی عقل عملی مردم آن جامعه است. مردمان عصر ظهور علاوه بر رشد در حوزه معرفتی و ارزشی، در بعد ابزاری و ساماندهی امور دنیوی به رشد مطلوبی خواهند رسید و اقتصاد، مدیریت، سیاست، امنیت و بهره‌گیری از طبیعت، متحول خواهد شد. بدیهی است تغییرات ناشی از ظهور است که بر محوریت حضور امام معصوم استوار است و در واقع این فرایند را باید در استمرار لطف خداوند بر انسان‌های عصر ظهور جست و جو کرد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (بی تا). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتب الأعلام الإسلامی.
۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). - المزار الكبير، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق) كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم، تبریز، بنی هاشمی.
۴. الهی نژاد، حسین (زمستان ۱۳۸۷). مهدویّت و عقل گرایی، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار موعود، شماره ۲۷.
۵. امامی کاشانی، محمد (۱۳۸۶). خطّ امان، پژوهشی در موعود ادیان، تهران، مؤلف.
۶. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن. محقق: محدث، جلال الدین، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۷. برنجکار، رضا (۱۳۸۰). عقل و تعقل، فصلنامه علمی - پژوهشی قیاسات، شماره ۱۹، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. _____ (۱۳۹۱). روش شناسی علم کلام، قم، دارالحدیث.
۹. بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (۱۴۲۶ق). سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزّمان علیه السلام، محقق: عطار، قیس، قم، دلیل ما.
۱۰. پکلیس، ویکتور داویدوویچ (۱۳۷۰). تواناییهای خود را بشناسید، مترجم: فرامرز، محمدتقی، تهران، مترجم.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، محقق: درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). امام مهدی علیه السلام موجود موعود، تحقیق: مخبر، محمد حسن، قم، اسراء.
۱۳. _____ (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست، تحقیق: رحیمیان، عباس، قم، اسراء.
۱۴. _____ (۱۳۸۴). انتظار بشر از دین، تحقیق: پور مصطفی، محمدرضا، قم، اسراء.
۱۵. _____ (۱۳۸۹). تفسیر انسان به انسان، محقق: الهی زاده، محمد حسین، قم، اسراء.
۱۶. _____ (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم، محقق: عابدینی، عبدالکریم، قم، اسراء.
۱۷. _____ (۱۳۸۸). شمیم ولایت، محقق: صادقی، سید محمود، قم، اسراء.

۱۸. _____ (۱۳۸۷) *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، تحقیق: واعظی، احمد، قم، اسراء.
۱۹. _____ (۱۳۸۷) *دین‌شناسی*، محقق: مصطفی پور، محمدرضا، قم، اسراء.
۲۰. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول*، محقق: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
۲۱. حکیمی، محمد (۱۳۸۱). *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، قم، بیدار.
۲۳. خمینی، روح الله (بی تا). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب*، قم، الشریف الرضی.
۲۵. رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۸). *مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب*، تهران، طرح فردا.
۲۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۴۱ق). *نهج البلاغه*، محقق: صالح، صبحی، قم، هجرت.
۲۷. صافی، لطف الله (۱۳۹۱). *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
۲۸. صدر، سید محمد (۱۴۲۵ق). *موسوعة الامام المهدي علیه السلام*، قم، انتشارات ذوی القربی.
۲۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). *شرح أصول الکافی*، محقق: خواجه‌جوی، محمد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق: غفاری، علی اکبر، تهران.
۳۱. _____ (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، محقق: لاجوردی، مهدی، تهران، نشر جهان.
۳۲. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۰). *آموزش عقاید و دستورهای دینی*، تهران، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: بلاغی، محمد جواد، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۳۴. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۲). *چشم اندازی به حکومت مهدي علیه السلام*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، تحقیق: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، قم، دار المعارف الإسلامية.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران - المطبعة العلمية.

۳۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
۳۸. فقیه ایمانی، محمد باقر (۱۳۸۹). *دوران با شکوه ظهور*، تحقیق: ظریف، محمد، قم، عطر عترت.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، قم، دارالحديث.
۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵). *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۲. _____ (۱۳۹۱). *پندهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۳. _____ (۱۳۸۶). *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *مجموعه آثار*، قم، انتشارات صدرا.
۴۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد*، تحقیق: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *آفریدگار جهان*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تحقیق: غفاری، علی اکبر، تهران، نشر صدوق.

